

شہر بہ راکی ندارد وگی نگہ فته



کارتون: محمد علی رجبی

در حالی که رئیس سازمان مدارس غیردولتی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده هم اکنون مؤسسان مدارس و مراکز غیردولتی مشغول تکمیل اطلاعات مورد نیاز برای تعیین شهریه هستند و تاکنون شهریه هیچ کدام از این مدارس برای سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ ابلاغ نشده، شهریه های درخواستی برخی مدارس غیرانتفاعی برای سال آینده افزایش عجیبی داشته که باعث سردرگمی خانواده ها شده است. مثلاً برخی دبستان ها ۶۰ میلیون تومان شهریه درخواست کرده اند. بررسی می کنیم که حالا چه کار کنیم!

جشن آتش شلغم

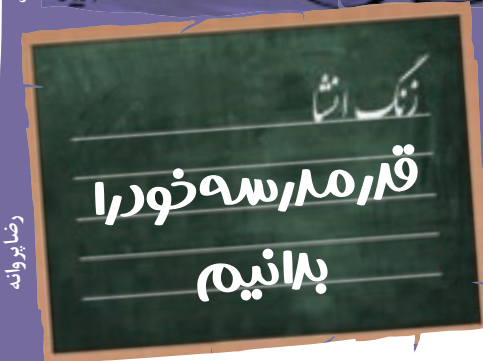
همیشه نباید طرف مردم را بگیریم. گاهی هم باید خودمان را جای گران فروشان بگذاریم تا ببینیم واقعا چه شده که این طور شده تا به این طفلکی ها هم حق بدیم. مثلاً مؤسس یک مدرسه غیردولتی، علاوه بر دستمزدی که باید به نیروهایش بدهد، باید اجاره آن چهار دیواری ای را هم که اسمش را گذاشته است «مدرسه» بدهد. در جریان افزایش اجاره ها هم که هستید. از طرف دیگر، چون دنبال خانه ارزان بوده، سقفش هم چکه می کند، سیم کشی هم ایراد دارد و چاهش زده بالا. خب، تعمیر همه این ها خرج دارد. به این موارد اضافه کنید هزینه برگزاری جشن اسم، بزرگداشت مراسم روز بچه دوم، جشنواره خوراکی های دریایی، اردوی فلان باغ، هدیه روز معلم و ... این پول ها را که نمی تواند از جیبش بدهد. باید از والدین دانش آموزان بگیرد. حالا دیدید؟!

شما حرف منخو، برای پوستت بده

در این بین، بی گناه ترین گروه مسئولان هستند که زیر فشار دو طرف ماجرا قرار دارند. از یک طرف، صاحبان مدارس اصرار دارند مجوز افزایش شهریه را بگیرند. از طرف دیگر، والدین التماس می کنند که ندارند. مسئولان خدمت هم که نه دل بی توجهی به والدین را دارند، نه جرئت برخورد با مدیران مدارس را، بهتر است به همین هشدار دادن و اظهار تأسف و ابراز نگرانی ادامه دهند و گهگاه وسط جلسه شان بگویند: «افزایش شهریه غیرقانونی است». و به کندن پوست موز ادامه دهند.

کارت خود را وارنگ کنید

البته برای پدرها و مادرها هم راهکار داریم. به این صورت که می توانید شهریه را چک بکشید و بعد که موعدش رسید، مهلت بگیرید و همین طور به تأخیر بیندازید تا فاصل کارت نامه ها برسد یا می توانید شهریه را کارت بکشید و رمز را اشتباه وارد کنید. سه بار این کار را بکنید تا کارت قفل شود. بگویید: «افردامی آییم». و فوری فرار کنید. بعد هم خود بچه را بفرستید تا شاید دل مدیر بسوزد و کارت نامه را بدهد. شاید هم ندهد. شاید هم چک را برگشت بزند. شاید هم حکم جلبتان را بگیرد. موقعیت پنجاه پنجاه است! تصمیم با خودتان!



رضا پروانه

دیروز بابایمان مرخصی گرفت تا ما را در مدرسه ثبت نام کند. البته مدرسه الانمان خیلی خوب است ولی به بابایمان گفتند: سال آینده از پذیرفتن این آتش پیاره معذوریم. حیاط مدرسه جدید از حیاط آپارتمان ما هم کوچک تر بود. حتی نمی شد دو نفری در آن دزد و پلیس بازی کنیم، چه برسد به اجرای جنگ بین کپکشان! دفتر مدیر هم خیلی فسقلی بود و گوشه اش ظرف شویی و آب گرم کن داشت. مدیرش هم خانم خوبی بود. فقط نمی دانم چرا وقتی شهریه را گفت، بابا سرخ شد و سکسکه اش گرفت. بعد هم از من پرسید: «دستشویی داری؟» و فوری آمدم بیرون. در راه هم گفت: می روی دست مدیر امسال را می بوسی و می گویی: غلط کردم! قول می دهم آدم باشم!

صفحه ۵
۶ خرداد ۱۴۰۲
شماره ۷۴



جلوپل برداشت امانا گهان حال پدر دگرگون شد و با صدایی بریده بریده گفت: پسر! وصیت نامه من رو اجرا نکردی مهم نیست، اما به این وصیتی که الان می گم حتما عمل کن. ماشینم رو روی پل خونه این مردک پارک کن و هیچ وقت برش ندار! و متأسفانه به محض اینکه ماشین از پارکینگ بیرون آمد، پدر چشم هایش را بست و به خواب ابدی فرو رفت.

کرده بود و نمی توانستند ماشین خودشان را از پارکینگ بیرون بیاورند. پسر در کوچه فریاد می زد: شماره ۱۱۰ چند بود؟! زنگ بزنم ببینم صاحب این ماشین بی صاحب کیه! اوضاع پدر بدو بدتر می شد و تنها کاری که از دست پسرش برمی آمد، تماس های متوالی با اورژانس و ۱۱۰ و فریاد زدن در کوچه بود تا اینکه بالاخره صاحب ماشین پیدا شد و زیر باران ناسزا های پسر، ماشین را با آرامش از